نیمه پنهان کشمیر – ۴۶

نمایان شدن زمستان در سرینگر

نویسنده: بشارت پیر
مترجم: بهزاد طاهرپور

خانواده حسین اصرار می‌کنند او ازدواج کند اما وی از این کار سر باز می‌زند.

او فکر می‌کرد دچار ضعف جنسی شده است. یک روز او تصمیم گرفت این مسئله را با خانواده‌اش در میان بگذارد. او راجع به این موضوع با هیچ‌کس صحبت نکرده است، آن شب او تا اذان صبح نخوابید.

– من به مسجد رفتم، نماز خواندم واقعا درهم شکسته بودم، از خدا کمک طلبیدم، فقط او می‌دانست بر سر من چه بلایی آمده است.

زمانی که از مسجد به خانه بازگشت روحیه‌اش تقویت شده بود از این رو تصمیم گرفت با دامادش که یک معلم مدرسه بود صحبت کند.

– آنها می‌گفتند وقتی برادر بزرگ‌تر هست چرا برادر کوچک‌تر می‌خواهد ازدواج کند؟

– آیا او مشکلی دارد؟

– آنها می‌گویند، آیا برای او در زندان اتفاقی افتاده است؟

حسین اصرار داشت که خواهر و برادرهای جوان‌ترش به زندگی خودشان بپردازند و آنها هم همین کار را کردند.

حسین اکنون با بچه‌های برادر و خواهرش بازی می‌کند بعضی اوقات وضعیت خیلی بغرنج می‌شود.

– اما واقعیت این است که من دیگر تصمیمم را گرفته‌ام، دیگر تمایلی به زندگی با کس دیگری ندارم.

مورد ایمان در مورد حضرت محمد (ص) که گفته است: ناامیدی یک گناه است با حسین صحبت کردم.

ما به کلینیک دکتر شهید که با کاهگل ساخته شده بود رسیدم. منتظر شدیم تا او آخرین بیمارش را نیز معاینه کرد. برگشتم حسین را تشویق کردم که با پسر خاله‌اش دکتر شهید صحبت کند.

– حسین یقینا تو حال و روزت بهتر می‌شود. با او صحبت کن او می‌تواند کمکت کند او به چشمهای من نگاه کرد و خندید.

– حتما این کار را می‌کنم

ما باهم دست دادیم و من کلینیک را ترک کردم.

به دکتر شهید زنگ زدم قرار ملاقاتی با او در کافی شاپ در مرکز شهر گذاشتم. این مشکل مشترک بین کسانی است که با قربانیان تروما در ارتباط هستند.

دکتر شهید پیشنهاد کرد که من برای چند هفته ننویسم.

– این کمکی به حل مشکل نمی‌کند چون مجبورم باز هم به نوشتن برگردم.

– پسر جان، به‌خاطر داشته باش آدم‌هایی مثل من و شما اقلیت ممتازی در کشمیر هستیم.

ریشه و سوابق خانوادگی، ما را از خیلی حوادث مصون نگه داشته است.

ما توانسته‌ایم به تحصیلاتمان ادامه دهیم و مسیر زندگی خودمان را بسازیم.

دامادش به او توصیه کرد آنها باید با یک دکتر صحبت کنند.

– برای یک سال من به پزشکان مختلفی در بیمارستان منطقه آنانتناگ مراجعه کردم. آنها لیست بلندبالایی از داروها را برایم تجویز کردند اما هیچ‌کدام کارساز نبود و مشکل مرا حل نکرد.

دکتر شهید می‌خواست او را به انستیتو پزشکی سرینگر ببرد، حسین نمی‌توانست راحت با دکتر شهید صحبت کند. او از رفتن به نزد دکتر امتناع می‌کرد و روزهایش را صرف گرداندن مغازه کوچک و دعا و نیایش در مسجد دهکده صرف می‌کرد.

خانواده‌اش تسلیم خواسته او شدند تا اینکه بحران دیگری از راه رسید. برادران جوان‌ترش می‌خواستند اقدام به ازدواج کنند.

در خانواده‌هایی مثل حسین برادران جوان‌تر به‌خاطر احترام زودتر از برادران بزرگ‌تر ازدواج نمی‌کنند.

پدر، داماد، و عموهای حسین دوباره سعی کردند که حسین را برای ازدواج متقاعد کنند. تمام روستا در مورد آن صحبت می‌کردند.

با افتادن آخرین برگ از درخت توت حیاط خانه، نشانه‌های از راه رسیدن زمستان نمایان شده بود. ابرهای درهم پیچیده سیاه و خاکستری آسمان را فرا گرفته بودند، به‌نظر می‌رسید سرینگر آب رفته و بیشتر درونگرا شده است مانند مرد میانسالی که در نگاه صبحگاهی به آینه متوجه موهای خاکستری و سفید سرش می‌شود. آشفتگی و پریشان حالی برون، نمایانگر درماندگی و بیچارگی درون است.

صدای او نمی‌توانست حسرتش را پنهان کند.

ما دوباره به کلینیک برگشتیم به او گفتم: حسین تو خوب می‌شوی. وضعیت تو قابل درمان است. من داستان ازدواج انصار و دختر سه ساله‌اش را به حسین تعریف کردم. من در مورد عمل‌های جراحی ارولوژی کمی مطالعه کرده‌ام. در مورد داروها، مشاوره‌های روانپزشکی اینکه او مرد شجاعی است، در

فصل یازدهم

با افتادن آخرین برگ از درخت توت حیاط خانه، نشانه‌های از راه رسیدن زمستان نمایان شده بود.

ابرهای درهم پیچیده سیاه و خاکستری آسمان را فرا گرفته بودند، به نظر می‌رسید سرینگرآب رفته و بیشتر درونگرا شده است مانند مرد میانسالی که در نگاه صبحگاهی به آینه متوجه موهای خاکستری و سفید سرش می‌شود. آشفتگی و پریشان‌حالی برون، نمایانگر درماندگی و بیچارگی درون است.

من سعی می‌کردم بعد از ظهرها مطالعه و غروب‌ها بنویسم اما فاصله چندانی با تجربیاتی که سعی می‌کردم آنها را در قالب واژه‌ها پردازش و شکل بدهم نداشتم.

بدخلق و تند مزاج شده بودم و بحث‌های بی‌حاصلی با دوستان داشتم.

ما هر موقع بخواهیم می‌توانیم از این‌جا بیرون برویم.

او مکث کرد و ادامه داد: آیا تو ترک نکردی؟

دکتر شهید هرگز کشمیر را ترک نکرد.

او در کالج پزشکی سرینگرتحصیلاتش را گذرانده بود احساس کردم صحبت‌های او مثل وارد کردن یک اتهام بود.

– من برگشتم دکتر، وقتی بیرون از کشمیر بودم هیچ چیز را فراموش نکردم،

با صدای بلند داد زدم من برگشتم که در مورد کشمیر بنویسم.

او درجواب گفت: هرموقع داستانی را می‌شنوی که تو را افسرده و ناراحت می‌کند با آن رو در رو شو، سعی نکن از آن فرار کنی. بدون رد و بدل شدن هیچ حرفی ما سیگار کشیدیم و قهوه خوردیم،

پس از چند دقیقه او سیگارش را خاموش کرد و گفت: متاسفم می‌دانم که سخت است من حتی نتوانستم حسین را متقاعد کنم که راجع به مشکلاتش با من صحبت کند، من این‌جا یک دکتر هستم، من به عنوان یک دوست صحبت می‌کردم.

ما سفارش قهوه بیشتری را دادیم و دکتر شهید همچنان به صحبت‌هایش ادامه داد.

– این مسائل برای تمام کسانی که وابستگی‌های شدیدی به این آب و خاک دارند اتفاق می‌افتد.

وقتی من را به بخش اورژانس گماشتند آنها هر روز مجروحان زیادی را به آنجا می‌آوردند، بعضی اوقات می‌توانستم جان آنها را نجات دهم، بعضی وقت‌ها هم حین انجام عمل جراحی جانشان را از دست می‌دادند.

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۱۱۶

ادامه زد و خوردهای عناصر امنیتی برای پاکسازی

فرانسیس استونر ساندرس
ترجمه حسین باکند

آموس ثابت کرد که حتی نمی‌تواند باز کردن یک پاکت را مدیریت کند، چه رسد به مدیریت یک تحقیق جدی درباره اعضای تشکیلات جاسوسی. اولین حمله مک‌کارتی (در جولای ۱۹۵۳ علیه ویلیام باندی) به ضرر خودش تمام شد. باندی، که عضو هیئت برآوردهای ملی سیا (و داماد دین آچسون) بود، ۴۰۰ دلار به صندوق دفاعی آلجر هیس کمک کرد. مک‌کارتی از این نتیجه گرفت که باندی باید یک کمونیست باشد.

تام بریدن به یاد می‌آورد: «من اتفاقاً در دفتر آلن بودم که این موضوع مطرح شد و باندی هم آنجا بود. آلن به او گفت: «از این‌جا برو من خودم به این موضوع رسیدگی می‌کنم.» باندی چند روز مرخصی گرفت و آلن مستقیم به دیدار آیزنهاور رفت و گفت که حوصله سر و کله زدن با این یارو از ویسکانسین و این آشفته بازاری که راه انداخته را ندارد.» دالس در واقع به رئیس‌جمهور گفت که استعفا خواهد داد مگر اینکه حملات مک‌کارتی متوقف شود.

به نظر می‌رسد چیزی که درنهایت آیزنهاور را وادار به اقدام کرد، همین مسئله بود. پس از اینکه ریچارد نیکسون معاون رئیس‌جمهور اعزام شد تا مک‌کارتی را تحت فشار قرار دهد که برنامه‌هایش برای تحقیقات عمومی کنار بگذارد، سناتور ناگهان «متقاعد شد» که «برگزاری جلسات استماع علنی درباره سازمان سیا به نفع عموم نخواهد بود و شاید بهتر باشد این موضوع به صورت اداری حل و فصل شود.» این موضوع به شکل یک توافق حل شد که بر اساس آن مک‌کارتی موافقت کرد شکایت‌های خود علیه این سازمان را در خلوت و از طریق دفتر آلن دالس مطرح کند. او با همراه داشتن فهرستی از افراد به اصطلاح «همجنس‌گرا» و «ثروتمند» که در استخدام سازمان سیا بودند، خواستار پاکسازی گسترده در داخل این سازمان گردید. مک‌کارتی تهدید کرد که اگر دالس به این خواسته‌ها عمل نکند، او تحقیقات عمومی را دنبال خواهد نمود. «فشارها تأثیر خود را گذاشت. استانداردهای امنیتی سخت‌گیرانه‌تر شدند. در یک مورد، ضرر سازمان سیا به سود هالیوود تمام شد[1]. یک فارغ‌التحصیل علوم سیاسی با لهجه کلاسیک نیویورکی به نام پیتر فالک (که بعدها به خاطر نقشش در سریال «کلمبو» معروف شد) در سال ۱۹۵۳ برای ورود به برنامه آموزشی سازمان سیا درخواست داد، اما درخواست او به دلیل عضویت سابقش در یک اتحادیه چپ‌گرا رد شد.»

کارمندان واحد اطلاعات و عملیاتِ (IOD) بریدن تحت بررسی ویژه قرار داشتند چرا که به لیبرالیسم سیاسی متهم شده بودند. مدیر عملیات اتحادیه‌های کارگری بریدن اخراج شد چون در دهه ۱۹۳۰ برای مدت کوتاهی عضو مجمع جوانان کمونیست شده بود. اما شرایط بدتر هم گردید. در اواخر اوت ۱۹۵۳، بریدن در ایالت مین همراه با ریچارد بیسل که از کارش در بنیاد فورد مرخصی کوتاهی گرفته بود تا از قایق تفریحی خود به نام «جادوگر دریا» لذت ببرد، در حال قایقرانی و در حالی که در خلیج پنوبسکوت لنگر انداخته بود، یک پیام فوری دریافت کرد که به او اطلاع می‌داد مک‌کارتی‌ها [هواداران سناتور مک‌کارتی] یک «سرخ» [کمونیست] در سازمان سیا کشف کرده‌اند. فرد مورد نظر معاون بریدن، کورد مه‌یر جونیور بود که در سال ۱۹۵۱ توسط آلن دالس به استخدام سازمان سیا درآمده بود. با دور بودن همزمان دالس و بریدن، کسی نبود که مانع برخورد چکمه سرکوب مک‌کارتی به پیکره مه‌یر شود. او بدون حقوق معلق گردید و منتظر بررسی امنیتی ماند، برایش رمان «محاکمه کافکا» تدعی شد. او بیش از هر زمان دیگری «وضعیت قهرمان سردرگم داستان را درک کرد که هرگز نمی‌توانست بفهمد چرا یا توسط چه کسی متهم شده است.»!

کورد مه‌یر «سرخ» نبود. او حتی «صورتی» [یعنی نزدیک به شوروی] هم نبود. در میان اتهاماتی که در یک سند سه‌صفحه‌ای فهرست شده بود، این واقعیت وجود داشت که او یک بار سکوی سخنرانی خود را در اختیار هارلو شیپلی، ستاره‌شناس دانشگاه هاروارد که به خاطر دیدگاه‌های سیاسی چپ خود شهرت داشت، قرار داد. همچنین به ارتباط مه‌یر با شورای ملی هنرها، علوم و حرفه‌ها اشاره شده بود که توسط کمیته فعالیت‌های برون مرزی مجلس آمریکا به عنوان یک جبهه کمونیستی معرفی گردید. هر دو اتهام به سال‌های پس از جنگ جهانی دوم برمی‌گشت، زمانی که مه‌یر رهبر کمیته کهنه‌سربازان آمریکایی بود (سازمانی لیبرال به عنوان جایگزینی برای لژیون فرامحافظه‌کار آمریکا) و همچنین یکی از بنیانگذاران فدرالیست‌های جهان متحد (که خواستار حکومت جهانی بودند و بیشتر آرمان‌شهری نشان می‌دادند تا لیبرال).

مه‌یر بعدها نوشت: «رئیس مستقیم من، تام بریدن، پیوسته از من حمایت نموده و مرا تشویق می‌کرد، باور کنم هیچ شکی وجود ندارد که می‌توانم خودم را تبرئه نمایم.» و در واقع، هرگز این احتمال وجود نداشت که اتهامات و برچسب‌های مک‌کارتی به او بچسبد. در روز شکرگزاری سال۱۹۵۳، دو ماه پس از تعلیق او، مه‌یر تماس تلفنی از آلن دالس دریافت کرد: او به طور کامل از اتهامات خیانت [به کشور] تبرئه شده بود و می‌توانست به سازمان بازگردد. این ماجرا تا پایان عمر، مه‌یر را تحت تأثیر قرار داد و یکی از بزرگ‌ترین تناقض‌های آمریکای دوران جنگ سرد را به تصویر کشید: در حالی که مردان سازمان سیا شبانه‌روز برای شکست کمونیسم تلاش می‌کردند، توسط هم‌وطنان آمریکایی‌شان، که ادعا داشتند همان هدف را دنبال می‌کنند، تحت تعقیب قرار گرفتند. اگر جوونال (شاعر رومی) از خود پرسیده بود که چه کسی از محافظان محافظت می‌کند، سؤال این‌جا بیشتر این بود که چه کسی اژدهاکُشان را می‌کشد؟!

پانوشت:

۱- یعنی سیا با عدم جذب این جوان با استعداد ضرر کرده

نیازمندی های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

۳۳۱۱۰۲۰۲ ۳۳۱۱۳۵۱۹ ۳۳۱۱۰۲۱۰ ۳۳۱۱۸۰۵۰

مرکز: ۳۳۱۱۰۲۰۸ ۳۳۱۱۲۱۹۳ ۳۳۹۱۱۵۶۸ ۳۳۱۱۲۲۹۱ ۳۳۱۱۹۲۳۶ ۳۳۱۱۳۰۸۵ ۳۳۱۱۲۱۹۵ ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب: سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳ / شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ / اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ / چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

برگ سبز موتور سیکلت پرواز ۱۵۰ مدل ۹۳ به شماره انتظامی ۲۴۷۶۸ - ایران ۵۴۱ به شماره موتور ۰۱۵۰N۲N۳۱۸۸۸۲ و شماره شاسی ۱۵۰S۹۳۱۰۲۷۱ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. (بروجرد)

برگ سبز (سند مالکیت) و کارت شناسایی سواری IKP۱ تیپ(MT۶)TARATU۵P مدل ۱۴۰۳ به شماره پلاک ۲۴۵۱۳۲ ایران ۴۳ و شماره موتور ۱۸۷B۰۱۲۷۰۷۶ وشماره شاسی NAAY۱۱H۵ARDE۸۷۳۰۸ به نام علیرضا باقری هارونی به کد ملی۱۱۷۱۱۵۵۴۳۳ مفقود شده اعتبار ندارد .(زرین شهر)

برگ سبز وسند کمپانی خودرو سواری هاچ بک سایپا ۱۱۱SE ، مدل ۱۳۹۶ رنگ سفید ، به شماره انتظامی ۳۹ل۱۲۴ ایران ۴۶ ، به شماره موتور۱۳۶۰۴۱۶۰۵M و شماره شاسی NAS۴۳۱۱۰۰H۱۰۰۸۲۸۷ به نام علیرضا سلمانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد. (رشت)

برگ سبز و شناسنامه و کارت موتور سیکلت کویر به شماره تنه ۹۴۱۳۹۵۲۴و شماره موتور ۱۵۰M۹۱۰۲۳۱۰NCV***۴۱۳۹۵۹۲۴ایران۲۱شماره موتور ۱۸۲SMG۴۱۳۹۵۹۲۴ به شماره پلاک ۸۲۸ایران۵۳۴_۲۶بنام خضر باغ سیاوشان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.(بوشهر)

خانم خدیجه صارمی مالک خودرو کامیون باری فوتون مدل ۱۴۰۲ به شماره انتظامی۸۶۸ ع ۱۳ – ایران ۶۶ به شماره شاسی NADV۴pBBvPY۴۲۲۹۴۳ و شماره موتور ISF۳۸۵۱۵۴۷۷۲۷۷۳ با اعلام مفقودی و به علت فقدان تقاضای الغای سند کمپانی بنام مالک اولیه آقای حسام هاشمی را نموده است لذا چنانچه هر شخص ادعایی در خصوص خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ آگهی به دفتر حقوقی شرکت سایپا دیزل واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران - کرج چهار راه ایران خودرو پلاک ۲۸۹ مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام می گردد. (بروجرد)

برگ سبز موتورسیکلت هوندا ویو مدل ۸۳ به شماره موتور ۸۰۰۲۶۵۸ و شماره تنه ۸۳۰۱۰۸۶ و شماره پلاک ۱۱۶-۸۵۱۸۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی سواری سایپا ساینا به شماره انتظامی ۲۲ل۴۵۷ ایران۸۳ مدل ۹۸ موتور M۱۵/۸۷۳۳۴۵۴ شاسی NAS۸۳۱۱۰۰K۵۸۱۴۰۶۶ به نام محمد صادق امیری مفقود و از درجه اعتبار ساقط است(شیراز)

سرقت خودرو
یک دستگاه خودرو کامیونت ون زامیاد Z۲۴NIM به رنگ آبی متعلق به آقای محمد حسین زارعی به شماره انتظامی ۷۴۵س۲۱ ایران ۹۳ شماره شاسی NAZPL۱۴۰TR۰۷۵۰۴۶۶ شماره موتور M۲۴۹۶۹۱۵۰M در تاریخ ۱۴۰۳/۹/۲۳ در شهر شیراز به سرقت رفته در صورت مشاهده با شماره تلفن ۰۹۳۹۵۸۲۰۸۷۷ تماس گرفته و مژدگانی دریافت نماید. (شیراز)

آگهی‌های مفقودی

برگ سبز وسندکمپانی وکارت ماشین پژو جی ال ایکس آی مدل۱۳۸۲شماره انتظامی ۹۹۵۲۶۲ایران۲۱شماره موتور ۲۲۵۶۲۱۴۳۸۵ شماره شاسی ۸۲۰۱۳۶۳۵.(بویین زهرا)

برگ سبز و کارت ماشین پژو پرشیا مدل۱۴۰۰شماره انتظامی ۶۴۶ ن ۴۲ ایران ۳۵ شماره موتور۱۲۴K۱۶۶۲۶۷۰ شماره شاسی NAAN۰۱CEpMK۱۷۱۵۴۷ بنام سعیددینی مفقودوازدرجه اعتبارساقط میباشند.(بویین زهرا)

برگ سبز خودرو سواری سیستم سمند تیپ LX-EF۷ مدل ۱۳۹۴ به رنگ زرد- روغنی به شماره موتور ۱۴۷H۰۱۰۴۲۲۱ به شماره شاسی NAACR۱HW۷EF۵۸۲۷۷۳ به شماره پلاک ۴۴۹ ع ۵۹ ایران ۵۵ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو سواری ریو SLX اتوماتیک به شماره پلاک ۷۶۱ و ۴۳- ایران ۷۷ به رنگ سفید مدل ۱۳۸۸ و شماره موتور ۱۰۷۱۵۹۷ و شماره شاسی ۶۱۰۰۸۸۹۱۱۷۳۶۲۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودروسایپا SAINASMT به شماره پلاک ۱۳۳ ق ۷۴- ایران ۲۴ به رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ و شماره موتور M۱۵۹۷۱۹۰۴۲ و شماره شاسی NAS۸۵۱۱۰۰N۵۷۳۸۷۲۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

بنایی و خدمات ساختمانی
تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت- اسپیلت- هواساز
۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

املاک انتظار شمال
فرصت تکرار نشدنی برای خرید ویلا و زمین در شمال منطقه نور و چمستان به هر قیمتی با بودجه شما
همین حالا با ما تماس بگیرید
۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

خرید و فروش کلیه املاک
املاک افق
خرید- فروش- رهن- اجاره
زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

مرکز شهر بندرانزلی
۲ باب مغازه هریک ۲۵ متر چسبیده به هم(جمعا ۵۰ متر)
دسترسی عالی+ سند مالکیت- سقف شیروانی با قابلیت ساخت سه طبقه
فروشی ۰۹۱۱۱۸۳۶۵۵۹

خرید و فروش وام
خرید وام مسکن جانبازی حتی اگر نوبت شما نرسیده باشد
۰۹۱۹۱۴۸۲۰۳۹
۰۹۱۲۶۵۳۱۴۰۸

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

استخدام

نوبت اول
مدرک فارغ التحصیلی اینجانب: مهسا خنجری فرزند: احمدعلی با شماره شناسنامه و کد ملی: ۲۰۸۰۶۱۳۲۳۵ صادره از: ساری در مقطع: کارشناسی رشته: علوم آزمایشگاهی صادره از واحد دانشگاهی: ساری با شماره سریال: ۲-۶۰۰۸۴ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری به نشانی: ساری- کیلومتر ۷ جاده دریا- مجتمع دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری- ساختمان اداری- طبقه دوم- اداره دانش آموختگان و یا صندوق پستی ۱۹۴-۴۸۱۶۴ ارسال نمایند. (ساری)

مفقودی مدرک تحصیلی
نوبت اول
اصل مدرک گواهینامه پایان تحصیلات دوره کارشناسی در رشته زمین شناسی گرایش محض در دانشگاه پیام نور مرکزقزوین اینجانب سیدوحیدخلیلی فرزند سیدافضل سال تحصیلی ۸۸_۸۷در تاریخ ۹۲/۴/۳۰باکدملی۴۳۱_۰۰۶۹۲۵_۸ مفقودوازدرجه اعتبارساقط میباشد. (بویین زهرا)

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۲/۶
بدینوسیله از کلیه اعضاء محترم **شرکت تعاونی مسکن فجر آفرین استان قزوین** دعوت به عمل می آید تا در مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول که در روز شنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ راس ساعت ۱۲:۰۰ در محل سیاه صاحب الامر (عج) استان به نشانی قزوین بلوار معلم ستاد سپاه استان قزوین به صورت حضوری تشکیل می گردد با در دست داشتن برگه سهام یا دفترچه عضویت حضور بهم رسانند.
ضمنا طبق ماده ۱۹ آئین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی مصوب ۱۳۸۷/۳/۹ هر یک (از اعضاء تعاونی می تواند نماینده تام الاختیاری از میان اعضاء تعاونی و یا خارج از آنان) برای حضور در مجمع و اعمال رای تعیین نماید تعداد آرای وکالتی هر عضو حداکثر یک رای و هر شخص غیر عضو یک رأی خواهد بود.
ضمنا وکالتنامه های عادی می بایست با حضور وکیل و موکل یک روز بعد از انتشار آگهی مذکور تا یک روز قبل از تشکیل مجمع به غیر از ایام تعطیل در محل دفتر شرکت تعاونی تنظیم و توسط هیات مدیره/ بازرس یا بازرسان بررسی و تایید شود و مجوز ورود به مجمع صادر گردد در غیر این صورت وکالتنامه رسمی حضور در مجمع می بایست به تایید یکی از دفترخانه های اسناد رسمی رسیده باشد.
دستور جلسه:
۱ _اصلاح ماده ۲۱ اساسنامه (افزایش تعداد اعضای هیات مدیره تعاونی)
هیات مدیره شرکت تعاونی

شرکت پرسیت در نظر دارد تعدادی از الکتروموتورهای نو با کیلووات های مختلف را از طریق مزایده به بالاترین پیشنهاد بفروش برساند. متقاضیان میتوانند با شماره های: ۸۸۸۳۵۴۴۷ ۰۹۱۲۱۹۹۳۹۲۰ تماس بگیرند .

اطلاعیه
آقایان سعید و داود و مرتضی و سامان و اسماعیل و ابراهیم و خانم‌ها هاجرخاتون و پروانه و نسرین و لیلا امیراحمدی و آقای علی و خانم‌ها فاطمه و زهرا طاهریان و آقای پیام و خانم مریم اکبری و آقایان سیدمحسن و سیدآرمین و سیدآرین و سیدابوالفضل و خانم‌ها عسل‌السادات و سهیلاسادات و اشرف‌السادات دهقان و آقای امیرهوشنگ پیشگاهی و خانم عصمت عشقیان و خانم فرانک علوی ویجویه بدینوسیله به استحضار می‌رساند چنانچه تا پنج روز پس از انتشار این آگهی جهت انتقال سهمی و سهم‌الارث خود در ششدانگ یک دستگاه آپارتمان به پلاک ثبتی ۱۲۶/۸۰۴۶۲ واقع در بخش ۱۱ تهران به نام آقایان معراج احدی خانکندی و ناصر زارع بیدکی و امیرمسعود ارجمندفر در دفترخانه ۵۵۳ تهران حضور نیابید شعبه دوم اجرای احکام مدنی مجتمع قضایی شهید مفتح تهران طبق اجرائیه شماره ۱۴۰۱۶۸۴۲۰۰۰۰۳۳۰۳۶۱ با شماره بایگانی ۰۰۰۱۶۲۹ و دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۰۲۸۷۳۴۶ شعبه ۲۱۴ دادگاه شهید مفتح تهران که در آن جنابانعالی به عنوان محکوم‌علیها می‌باشید به قائم مقامی از طرف شما اقدام به انتقال سند به نام محکوم لهم دادنامه و اجراییه مذکور(آقایان معراج احدی خانکندی و ناصر زارع بیدکی و امیرمسعود ارجمندفر) می‌نماید.

دعوت به همکاری
موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید .
◆ واحد فنی: ۴ نفر مرد – با تحصیلات دیپلم
◆ واحد خدمات: ۵ نفر مرد – با تحصیلات حدود دیپلم
◆ امور مالی: ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
◆ امور اداری: ۳ نفر آشنا به تایپ فارسی
متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ - ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

اسامی ۱۱ نفر از فرزندان تحت پوشش شیرخوارگاه شبیر

نام مستعار کودک: امیرمحمد
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰
مکان پیدا شدن: بیمارستان ضیائیان

نام مستعار کودک: نوهان
تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳
مکان پیدا شدن: اورژانس اجتماعی شهرستان ملارد

نام مستعار کودک: رامیار
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷
مکان پیدا شدن: بیمارستان بهارلو

نام مستعار کودک: هانا
تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱
مکان پیدا شدن: بیمارستان اجتماعی دماوند

نام مستعار کودک: سجاد
تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶
مکان پیدا شدن: اورژانس اجتماعی شهید ذوالفقاری

نام مستعار کودک: آریا
تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶
مکان پیدا شدن: بیمارستان اکبرآبادی

نام مستعار کودک: مانی
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۲/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹
مکان پیدا شدن: بیمارستان مردم

نام مستعار کودک: نیکو
تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶
مکان پیدا شدن: اورژانس اجتماعی دولت آباد

نام مستعار کودک: نیایش
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۲/؟
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰
مکان پیدا شدن: اورژانس اجتماعی ملارد

نام مستعار کودک: آندیا
تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷
مکان پیدا شدن: بیمارستان آرش

نام مستعار کودک: چکامه
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶
مکان پیدا شدن: بیمارستان امام حسین(ع)

ویژه‌نامه تخصصی خودرو
بامطالبی متنوع و کادری ورزیده با آخرین اخبار روز بهترین مکان جهت درج آگهی‌های شما

با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید